

## جایگاه دلبستگی به همسال و اضطراب دوره نهنفتگی در تدوین مدل پرخاشگری با توجه به ریشه‌های تحولی آن در کارکرد خانواده

نرجس اسلامی\* و فاطمه شهابی‌زاده\*\*

### چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی اهمیت و جایگاه دلبستگی همسال و اضطراب دوره نهنفتگی در تدوین مدل پرخاشگری با توجه به نقش ریشه‌های تحولی در کارکرد خانواده انجام شد. مطالعه حاضر از نوع همبستگی بود که به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بر روی ۳۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر پایه چهارم و پنجم ابتدایی شهر بیرجند در سال ۱۳۹۳ انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه فرزندپروری یانگ، سبک دلبستگی دوره نهنفتگی، اضطراب کتل و پرخاشگری بود. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد مسیر ریشه‌های تحولی خودگردانی مختل و گوش به زنگ بودن (خانواده گرفتار شده سخت) به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق دلبستگی دوسوگرا به همسال سهم مثبتی در جهت پیش‌بینی اضطراب داشت و از آن طریق پیش‌بین‌کننده پرخاشگری نشان داده شد. مسیر ریشه‌های تحولی محرومیت عاطفی و عملکرد مختل (خانواده رهاشده آشفته) نیز تنها به‌طور غیر مستقیم از طریق افزایش دلبستگی اجتنابی سهم مثبتی در جهت پیش‌بینی اضطراب و به‌طور غیر مستقیم از طریق افزایش اضطراب سهم مثبتی در جهت پیش‌بینی پرخاشگری نشان داد. افزون بر این در مدل برازش‌یافته، سهم خانواده‌های با ریشه‌های تحولی گرفتار شده سخت نسبت به خانواده‌های رها شده آشفته در جهت پیش‌بینی پرخاشگری قوی‌تر به‌دست آمد، لذا با توجه به نقش ریشه‌های تحولی، دلبستگی دوره نهنفتگی و اضطراب، می‌توان با کنترل عوامل زمینه‌ساز از افزایش پرخاشگری و پیامدهای نامناسب آن در سنین پایین جلوگیری کرد.

کلیدواژه‌ها: ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها؛ دلبستگی دوره نهنفتگی؛ اضطراب؛ پرخاشگری

\*کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی و برگرفته از پایان‌نامه واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

\*\*استادیار واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. F\_shahabizadeh@yahoo.com

## مقدمه

اختلالات اضطرابی بیشترین فراوانی را در سطح کل جمعیت دارند و به ندرت اتفاق می‌افتد که در خلال فرآیند نوجوانی، بحران‌های اضطراب مشاهده نشود، بعضی واکنش‌های هیجانی معمول در برابر فشار روانی از جمله اضطراب، خشم و پرخاشگری نیز است و عقیده بر این است که بین خشم و پرخاشگری ارتباط نزدیکی وجود دارد، لذا به نظر می‌رسد در تدوین مدل پرخاشگری، بررسی نقش اضطراب حائز اهمیت است. از طرفی نظریه‌پردازان یادگیری اتفاق نظر دارند که رفتارهای پرخاشگرانه کودکان با نحوه تربیت کودکان رابطه دارد (هربرت، ۱۳۸۴). بنابراین، به نظر می‌رسد ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها<sup>۱</sup> یکی از مؤلفه‌های مهم اثرگذار بر شکل‌گیری پرخاشگری باشد که معرف عملکرد والد است. اما آنچه در پژوهش حاضر بررسی می‌شود این است که آیا ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها به طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری است؟ در حوزه رشد شناختی، بسیاری از طرحواره‌ها در سال‌های اول زندگی شکل می‌گیرند، به حرکت خود ادامه می‌دهند و در تجارب بعدی زندگی کاملاً حضور می‌یابند و در چند حوزه قرار داده می‌شوند؛ حوزه بریدگی و طرد<sup>۲</sup>، به طور معمول در خانواده‌های به وجود می‌آید که بی‌عاطفه، سرد و منزوی هستند. در حوزه خودگردانی و عملکرد مختل<sup>۳</sup>، انتظاری که فرد از خود و محیط دارد با توانایی‌های محسوس او برای عملکرد مستقل یا انجام موفقیت‌آمیز کارها تداخل می‌کنند که حاصل کاهش اعتماد به نفس کودک است. طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختل<sup>۴</sup> به بروز مشکلاتی در رابطه با رعایت حقوق دیگران، تعهد و رسیدن به اهداف واقع‌بینانه منجر می‌شود که به طور معمول معرف خانواده‌هایی با سهل‌انگاری افراطی است. در حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری<sup>۵</sup> بر عملکرد عالی، بی‌نقص‌گرایی، وظیفه‌شناسی، پیروی از قوانین، پنهان‌سازی هیجان‌ها، اجتناب از اشتباه تأکید می‌شود (یانگ، کلسکو، وشیار، ۱۳۹۰).

- 
1. Schema
  2. Disconnection and rejection
  3. Impaired autonomy and performance
  4. Impaired limits
  5. Overvigilance/inhibition
  6. Young, Kolesko & Weishaar

نظام والد-کودک، درون نظام خانواده واقع شده است (میکولینسر، شیور و برگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳)، بنابراین، کارکرد خانواده می‌تواند انعکاس ریشه‌های تحولی طرحواره‌های ناشی از عملکرد والدین باشد. السون<sup>۲</sup> (۲۰۰۰؛ نقل از شهابی‌زاده و مظاهری، ۱۳۹۱) ماهیت خانواده را با توجه به ابعاد پیوستگی و انعطاف‌پذیری بررسی کرد. در کرانه بالای پیوستگی<sup>۳</sup>، خانواده گرفتار شده<sup>۴</sup> قرار دارد که ابراز تفکرات و احساسات بین والد و کودک افراطی توأم با دخالت<sup>۵</sup> تلقی می‌شود. در کرانه پایین نیز خانواده رها شده<sup>۶</sup> قرار دارد که فاقد صمیمیت است. در کرانه بالای انعطاف‌پذیری<sup>۷</sup> خانواده آشفته<sup>۸</sup> قرار دارد که فاقد انضباط است و در کرانه پایین نیز خانواده سخت<sup>۹</sup> قرار دارد که در آن قدرت طلبی تک محورانه است. با توجه به مدل السون، انتظار می‌رود حوزه‌های طرحواره خودگردانی و گوش به زنگ بودن نماد کارکرد خانواده گرفتار شده<sup>۱۰</sup> سخت باشد. طرحواره خودگردانی مختل، مرتبط با خانواده در هم تنیده و گرفتار شده است، افزون بر این طرحواره گوش به زنگ بودن نیز در خانواده‌های با سخت‌گیری‌های انضباطی و پایبندی افراطی به قوانین شکل می‌گیرد، از طرفی با توجه به پژوهش شهابی‌زاده (۱۳۹۴) طبق مدل السون، یک الگوی عملکردی از خانواده‌ها، خانواده‌های گرفتار شده سخت است که در پژوهش مذکور تأیید شد. همچنین انتظار بر این است که طرحواره‌های محرومیت عاطفی و محدودیت مختل بازتاب خانواده‌های آشفته رها شده و طرد شده است و از طرفی محدودیت مختل خانواده‌های با سهل‌گیری افراطی و عدم نظم و محدودیت‌ها را شامل می‌شود که معرف خانواده‌های رها شده آشفته هستند. با توجه به موارد مذکور انتظار بر این است طرحواره‌های مرتبط با خانواده‌های گرفتار شده سخت با سبک دوسوگرایی و خانواده‌های با طرحواره‌های رها شده آشفته با سبک اجتنابی (هازلی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶) منطبق با یافته‌های شهابی‌زاده

- 
1. Mikulincer, Shaver & Pereg
  2. Olson
  3. Cohesion
  4. Enmeshed family
  5. Intrusive
  6. disengaged family
  7. adaptability
  8. chaotic family
  9. rigid family
  10. Haseley

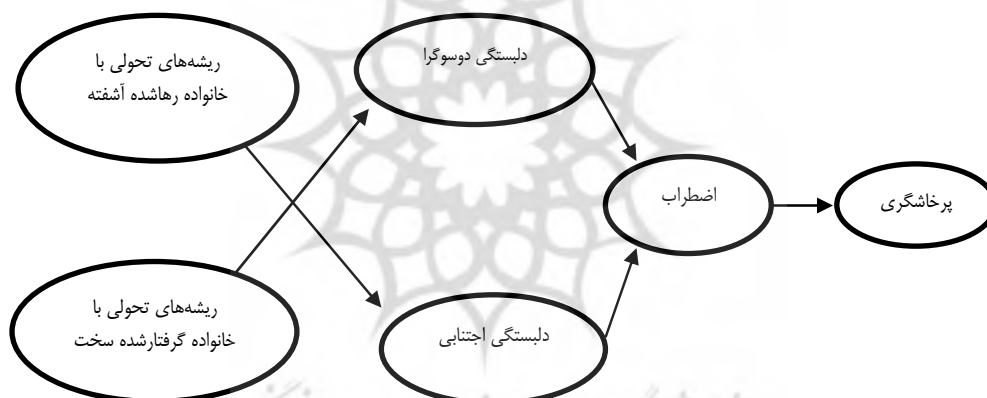
(۱۳۹۴) شهابی‌زاده و مظاهری (۱۳۹۱) به‌دست آید.

مطالعات مک‌دونالد، بک و نورس و رسی<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) و بارانف<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نیز نشان داد الگوی خانواده نامتعادل با دلبستگی نایمن به بزرگسال تداعی می‌شود. البته، شایان ذکر است در پژوهش حاضر بر خلاف پژوهش مذکور دلبستگی به همسال در دوره نهنفتگی و ریشه‌های تحولی به‌جای ادراک عملکرد خانواده بررسی شد. با توجه به آنچه مطرح شد در تحلیل عاملی مطالعه حاضر بارگزاری حوزه‌های طرحواره خودگردانی و گوش به‌زنگ بودن در متغیر خانواده در هم تنیده و طرحواره‌های محرومیت عاطفی و محدودیت مختل در متغیر مکنون خانواده آشفته ره‌اشده بررسی می‌شود.

علاوه بر اهمیت نقش ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها در بروز اضطراب و پرخاشگری، ویژگی‌های بهنجار و نابهنجار دلبستگی در روابط نیز حائز اهمیت است. بالبی معتقد بود که رفتار انسان از طریق بررسی محیطی بنیادی که این رفتار در آن محیط تکامل یافته است، قابل درک است که حاکی از اهمیت نقش ریشه‌های تحولی طرحواره در شکل‌گیری دلبستگی است. بنابر نتایج پژوهش‌ها، فقدان دلبستگی ایمن به اضطراب و پرخاشگری اجتماعی منجر می‌شود (آلتیر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ میکولینسر و فلوریان<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹؛ میکولینسر، شاور و پرگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳؛ خراشادی‌زاده، شهابی‌زاده و دستجردی، ۱۳۹۰؛ نجات، شهابی‌زاده و غباری‌بناب، ۱۳۹۳)، اما شایان ذکر است در پژوهش مذکور، رابطه دلبستگی خاص دوران نهنفتگی برای سنین ۶ - ۱۲ سال نسبت به همسال با اضطراب و پرخاشگری بررسی نشده است. دلبستگی سیستم پویایی است که در تمام دوران‌های زندگی نسبت به همسال و غیره شکل می‌گیرد. در دوران مدرسه با کنار گذاشتن دلبستگی‌های کودکی، دوره نهنفتگی شکل می‌گیرد و اهمیت چهره دلبستگی از والد به معلم و همسالان تغییر می‌کند. فروید<sup>۶</sup>، اولین کسی بود که یکی از دوره‌های مهم در طرح‌ریزی شخصیت کودک، دوره نهنفتگی یا دوره دبستانی دانست. اگرچه به نظر فروید خیال‌پردازی‌های

- 
1. McDonald, Beck & Norsworthy
  2. Baranoff
  3. Altire
  4. Mikulincer & Florian
  5. Shaver & Pereg
  6. Freud

پرخاشگرانه در آن به طور گسترده‌ای نهفته هستند و کاملاً به ناخودآگاه رفته‌اند (فروید، ۱۹۲۰؛ به نقل از خراشادی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰) اما به نظر می‌رسد پرخاشگری متأثر از رابطه والد-فرزندی (عراقی، ۱۳۸۷) و ریشه‌های تحولی دوران کودکی و با واسطه سبک‌های دلبستگی نیز می‌تواند پرخاشگری را موجب شود. به هر حال عوامل بیرونی سبک‌های دلبستگی و خانواده در کنار عوامل درونی شناختی (ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها<sup>۱</sup>) می‌توانند توان پیش‌بینی اضطراب را افزایش دهند. در پژوهشی که پیش روست تلاش پژوهشگر بر آن است نقش ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها، در چارچوب نظریه یانگ و السون، با توجه به دلبستگی دوره نهنفتگی در پیش‌بینی اضطراب و پرخاشگری بررسی شود. مدل مفهومی پیشنهاد شده (شکل ۱) بر اساس مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی در زیر مشاهده می‌شود.



شکل ۱: مدل پرخاشگری، نقش ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها، دلبستگی به همسال و اضطراب در دوره نهنفتگی

در مدل حاضر بارگزاری حوزه‌های طرحواره خودگردانی و گوش به زنگ بودن در متغیر مکنون خانواده در هم تنیده و گرفتار شده (نظریه السون) و طرحواره‌های محرومیت عاطفی و محدودیت مختل در متغیر مکنون خانواده آشفته رهاشده بررسی می‌شود که به نظر نمی‌رسد تاکنون این مسأله در قالب مدل مفهومی و آماری، بررسی شده باشد، بدین صورت که در مدل

## 1. Attributional Style

مفهومی حاضر سؤالات زیر بررسی می‌شوند که آیا خانواده‌های گرفتار شده سخت (ریشه تحولی خودگردانی و گوش بزرگی) از طریق شکل‌گیری دلبستگی دوسوگرایی به همسالان موجب اضطراب شده و در نتیجه پرخاشگری را تسهیل می‌کند؟ افزون بر این بررسی می‌شود که آیا خانواده‌های آشفته رها شده (محرومیت و عملکرد مختل) با تسهیل شکل‌گیری دلبستگی اجتنابی به همسالان، اضطراب و در نتیجه پرخاشگری را موجب می‌شود؟ به بیان دیگر درباره ارتباط مفهومی و محتوایی ریشه‌های تحولی والدین (نظریه یانگ) در قالب کارکرد خانواده (نظریه السون) بر روابط دلبستگی همسالان (نظریه بالبی) در دوره نهفتگی بر نشانگان روانی اضطراب و در نتیجه رفتار مشکل‌آفرین پرخاشگری بحث می‌شود.

## روش

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود که در آن از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه چهارم و پنجم ابتدایی شهر بیرجند در سال ۱۳۹۳ (حدود ۷۰۰۰ نفر) بودند. با توجه به جامعه آماری و جدول مورگان، حجم نمونه ۳۳۰ نفر به دست آمد که برای انتخاب دانش‌آموزان از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای تصادفی استفاده شد. بدین صورت که ابتدا شهر بیرجند به چهار بخش (شمال، جنوب، شرق و غرب) تقسیم شد، سپس از هر بخش ۲ مدرسه دخترانه و ۲ مدرسه پسرانه (جمعاً ۸ مدرسه دخترانه و ۸ مدرسه پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر مدرسه یک کلاس چهارم و یک کلاس پنجم به‌طور تصادفی انتخاب و سپس ابزارها میان دانش‌آموزان توزیع شد. در نمونه حاضر ۱۶۰ (۴۹ درصد) دانش‌آموز از پایه چهارم ابتدایی و ۱۶۴ (۵۱ درصد) دانش‌آموز از پایه پنجم ابتدایی بودند. شایان ذکر است به این سؤال ۱۹ نفر پاسخ ندادند. همچنین از ۳۲۱ نفری که جنسیت خود را اعلام کردند، ۱۵۸ نفر (۴۹ درصد) پسر و ۱۶۳ نفر (۵۱ درصد) دختر بودند. در مجموع میانگین سن افراد مورد مطالعه  $10/99 \pm 0/79$  سال و میانگین رتبه فرزند و تعداد فرزندان خانواده به ترتیب  $2/15 \pm 1/43$  و  $2/89 \pm 1/45$  به دست آمد. برای گردآوری داده‌ها نیز از ابزارهای زیر استفاده شد:

**پرسشنامه فرزندپروری یانگ؛** این ابزار برای شناسایی ریشه‌های طرحواره‌ها در دوران کودکی است که در سال ۲۰۰۳، یانگ آن را تهیه کرده است، ۷۲ عبارت و ۱۷ زیر مقیاس دارد:

محرومیت عاطفی<sup>۱</sup>، رها کردن<sup>۲</sup>، بی‌اعتمادی/بدرفتاری<sup>۳</sup>، نقص/شرم<sup>۴</sup>، شکست<sup>۵</sup>، وابستگی/بی‌کفایتی<sup>۶</sup>، آسیب‌پذیری در مقابل ضرر یا آسیب<sup>۷</sup>، تحول‌ناایافته/گرفتار<sup>۸</sup>، اطاعت<sup>۹</sup>، ایثار<sup>۱۰</sup>، بازداری هیجانی<sup>۱۱</sup>، معیارهای سرسختانه<sup>۱۲</sup>، استحقاق/بزرگ منشی<sup>۱۳</sup>، خویش‌تن‌داری و خود انضباطی ناکافی<sup>۱۴</sup>، پذیرش جویی/جلب توجه<sup>۱۵</sup>، منفی‌گرایی/بدبینی<sup>۱۶</sup> و تنبیه<sup>۱۷</sup>. شایان ذکر است در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ هر یک از خرده مقیاس‌ها بیش از ۰/۶۹ به دست آمد که حاکی از پایایی مناسب است. در مطالعه حاضر برای محاسبه روایی به منظور بررسی مبنای کارکرد خانواده، ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. با توجه به اینکه شاخص کفایت نمونه‌برداری ۰/۸ به دست آمد و آزمون بارتلت نیز معنادار است، می‌توان به نتایج تحلیل عاملی اطمینان کرد، لذا برای تحلیل عاملی از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخشی ابلیمین استفاده شد که ساختار ساده ۲ عاملی به دست آمد و نتایج نشان داد، حوزه‌های طرحواره خودگردانی و گوش به زنگ بودن در یک عامل و طرحواره‌های محرومیت عاطفی و محدودیت مختل در یک عامل بارگزاری شدند و در مجموع بیش از ۴۰ درصد از کل واریانس ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها را تبیین می‌کنند.

**دل‌بستگی دوره نهنفتگی:** این پرسشنامه را ریکی فینزی-دوتان<sup>۱۸</sup> در سال ۲۰۰۲ نوشته

- 
1. Emotional Derivation
  2. Abandonment.
  3. Mistrust Abuse
  4. Defectiveness shame
  5. Failure
  6. Dependent / Incompetence
  7. Vulnerability to harm Illness
  8. Enmeshment
  9. Subjugation
  10. Self-sacrifice
  11. Emotional Inhibition
  12. Unrelenting Standards
  13. Entitlement
  14. In self-control
  15. Approval Research
  16. Negative / Pessimism
  17. Punishment
  18. Finze -Dottan

است که ۱۵ سؤال دارد و ایمن، اضطراب و اجتنابی را با نمره‌گذاری بر اساس طیف ۴ درجه‌ای لیکرت اندازه‌گیری می‌کند. در مطالعه فینزی-دوتان، کوهن، ایوانس و سایپر و ویزمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) ثبات داخلی برای خرده مقیاس اضطراب ۰/۸۰ و برای خرده مقیاس اجتنابی ۰/۷۰ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ هر یک از خرده مقیاس‌ها بیش از ۰/۸ به‌دست آمد. برای محاسبه روایی نیز از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخشی ابلیمین استفاده شد که ساختار ساده ۳ عاملی به‌دست آمد، سبک دوسوگرا ۱۸/۷۷ درصد، سبک ایمن ۱۴/۳۹ درصد و سبک اجتنابی ۹/۶۵ درصد (در مجموع ۴۲/۸۱ درصد) از کل واریانس سبک دل‌بستگی به همسالان تبیین شد.

**پرسشنامه اضطراب کتل<sup>۲</sup>:** این پرسشنامه را کتل، ۱۹۷۵، تهیه کرده است و ۴۰ سؤال دارد، هر سؤال به گونه‌ای خاص نمره‌گذاری می‌شود به طور مثال در سؤال ۱ به این صورت است که به درست (۲) بین این دو (۱) و غلط (۰) تعلق می‌گیرد و در سؤال ۲ به درست (۰) بین این دو (۱) و غلط (۰) تعلق می‌گیرد. پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای اضطراب پنهان ۰/۵۹، اضطراب آشکار ۰/۶۹ و برای کل مقیاس ۰/۷۷ به دست آمد (سالاری‌فر و پوراعتماد، ۱۳۹۰). همچنین در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ هر یک از خرده مقیاس‌های اضطراب آشکار و پنهان ۰/۶۶ و ۰/۷۲ به‌دست آمد که حاکی از پایایی مناسب است.

**پرسشنامه پرخاشگری:** این پرسشنامه را زاهدی‌فر در سال ۱۳۷۶ طراحی کرد که مشتمل بر ۳۰ ماده است و نمره کلی این پرسشنامه از صفر تا ۹۰ است. خصوصیات روان‌سنجی این پرسشنامه از طریق تحلیل عوامل ساخته شده در مطالعه ثقتی، شفیع‌آبادی و سودانی (۱۳۸۸) برای تعیین اعتبار پرسشنامه پرخاشگری از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر با ۰/۷۷ و ۰/۶۶ به‌دست آمد که بیان‌کننده ضرایب پایایی مقبول است. همچنین در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ هر یک از خرده مقیاس‌ها بیش از ۰/۷۲ به‌دست آمد که حاکی از پایایی مناسب است.

---

1. Cohen, Iwaniec, Sapir & Weizman  
2. Cattell



## یافته‌ها

به منظور بررسی مدل مفهومی پرخاشگری، پارامترهای مدل از طریق روش بیشینه احتمال به دست آمد. در بررسی مفروضه‌های مدل، یکسان نبودن پراکندگی رگرسیون‌های چند متغیری مدل‌های لیزرل را ناروا نمی‌کند (پدهازر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲؛ نقل از شهابی‌زاده و مظاهری، ۱۳۹۱)، و بنا بر نظر بسیاری از صاحب‌نظران (از جمله آشر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳؛ نقل از شهابی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱) همبستگی‌های کم‌تر از ۰/۸ نشان‌دهنده فقدان هم خطی بودن چندگانه است که نتایج حاصل از ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ بیان‌کننده تأیید مفروضه مذکور است.

طبق پیشنهاد هوپر، کالگن و مولن<sup>۳</sup> (۲۰۰۸؛ نقل از شهابی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱) در دستورالعمل مربوط به گزارش شاخص‌های مناسب برازندگی الگو، مجذور خی به همراه درجه آزادی، ریشه دوم واریانس خطای تقریب<sup>۴</sup> و شاخص برازندگی تطبیقی در نظر گرفته شد. به منظور بررسی مدل پرخاشگری از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. علاوه بر این برآورد پارامترهای مدل نیز که از طریق روش بیشینه احتمال به دست آمد در شکل زیر نشان داده شده است. همان‌طور که در نتایج تحلیل عاملی طرحواره‌ها گزارش شد حوزه‌های طرحواره خودگردانی و گوش به زنگ بودن در متغیر مکنون خانواده در هم تنیده و گرفتار شده و طرحواره‌های محرومیت عاطفی و محدودیت مختل در متغیر مکنون خانواده آشفته رها شده بارگزاری شدند. در عامل اول: طرحواره خودگردانی مختل با توجه به آنچه در مقدمه گزارش شد، مرتبط با خانواده در هم تنیده و گرفتار شده است، افزون بر این طرحواره گوش به زنگ بودن نیز در خانواده‌های با سخت‌گیری‌های انضباطی و پایبندی افراطی به قوانین شکل می‌گیرد، از طرفی با توجه به مدل السون، یک الگوی عملکردی از خانواده‌ها، خانواده‌های گرفتار شده سخت است که در پژوهش شهابی‌زاده و مظاهری (۱۳۹۱) تأیید شد.

- 
1. Pedhazur
  2. Asher
  3. Hooper, calgonand Mullen
  4. Root mean square error of approximation(RMSEA)

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین ریشه‌های تحولی طحوااره‌ها، سبک دلبستگی، پرخاشگری و اضطراب

												۱- محرومیت عاطفی بودن
												۲- خودگردانی مختل
												۳- محدودیت مختل
												۴- گوش بزنگی
												۵- دیگر جهت‌مندی
												۶- سبک ایمن
												۷- سبک اجتنابی
												۸- سبک دوسوگرا
												۹- خشم
												۱۰- تهاجم
												۱۱- کینه‌توزی
												۱۲- اضطراب پنهان
												۱۳- اضطراب آشکار
												M میانگین
												انحراف استاندارد

\* همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۱

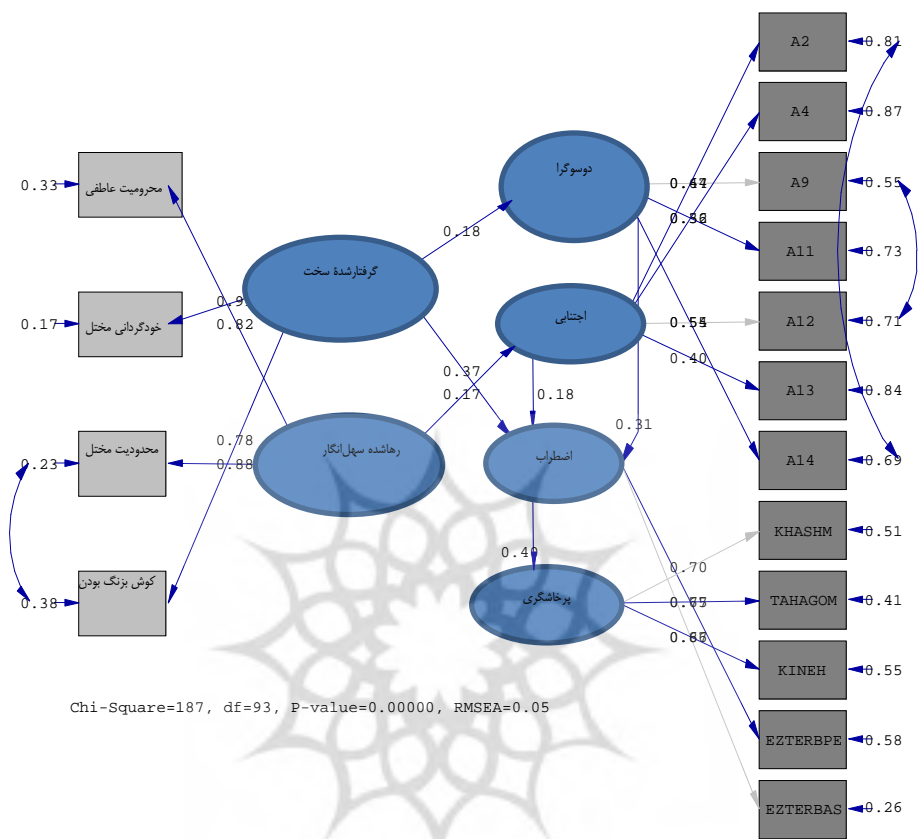
\*\* همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

در عامل دوم نیز طرحواره محرومیت عاطفی در خانواده‌های طرد شده است و از طرفی محدودیت مختل خانواده‌های با سهل‌گیری افراطی و فقدان نظم و محدودیت‌ها را شامل می‌شود که مطابق با خانواده‌های رهاشده آشفته هستند. شاخص‌های برازش نشان داد نسبت شاخص مجذور کای برابر با ۱۸۶ نسبت به درجه آزادی ۹۳ کم‌تر از ۲ به دست آمد، لذا مدل می‌تواند تقریب مقبولی از جامعه ارائه دهد. به هر حال شاخص ریشه دوم واریانس خطای تقریب برابر ۰/۰۵ به دست آمد و در فاصله اطمینان قرار گرفت، همچنین شاخص برازندگی تطبیقی، شاخص برازندگی افزایشی<sup>۱</sup>، شاخص برازندگی نرمال<sup>۲</sup>، NFI نیز به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۴ و ۰/۹۰ به دست آمد (هوئل و پانتر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵؛ نقل از شهابی‌زاده و مظاهری، ۱۳۹۱)، لذا می‌توان استنباط کرد مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد. شاخص روایی متقاطع نیز ۰/۸ و کم‌تر از مقدار مدل اشباع‌شده<sup>۴</sup> (۰/۸۱) بود و در فاصله اطمینان قرار گرفت که بیان‌کننده تقریب معقولی در جامعه است.

همان‌طور که شکل زیر نشان می‌دهد مسیرریشه‌های تحولی خانواده گرفتار شده سخت تنها به طور غیر مستقیم از طریق دل‌بستگی دوسوگرا به همسال  $\beta = ۰/۱۸$ ،  $P < ۰/۰۱$  سهم مثبتی در جهت پیش‌بینی اضطراب  $\beta = ۰/۳۱$ ،  $P < ۰/۰۱$  دارد (اثر غیر مستقیم برابر ۰/۰۶)، افزون بر این از طریق اضطراب نیز پیش‌بین‌کننده پرخاشگری نشان داده شد  $\beta = ۰/۴$ ،  $P < ۰/۰۱$  (اثر غیر مستقیم ۰/۰۲). همچنین مدل نشان داد مسیر ریشه‌های تحولی خانواده گرفتار شده سخت به‌طور غیر مستقیم از طریق افزایش اضطراب  $\beta = ۰/۳۷$ ،  $P < ۰/۰۱$  سهم مثبتی در جهت پیش‌بینی پرخاشگری  $\beta = ۰/۴$ ،  $P < ۰/۰۱$  دارد (اثر غیر مستقیم برابر ۰/۱۵). مسیر ریشه‌های تحولی خانواده رهاشده آشفته نیز تنها به طور غیر مستقیم از طریق افزایش دل‌بستگی اجتنابی  $\beta = ۰/۱۷$ ،  $P < ۰/۰۱$  سهم مثبتی در جهت پیش‌بینی اضطراب  $\beta = ۰/۱۸$ ،  $P < ۰/۰۱$  دارد (اثر غیر مستقیم ۰/۰۳) و به طور غیر مستقیم از طریق افزایش اضطراب سهم مثبتی در جهت پیش‌بینی پرخاشگری  $\beta = ۰/۴$ ،  $P < ۰/۰۱$  نشان داد (اثر غیر مستقیم برابر ۰/۰۱۲). بنابراین، مدل نشان داد خانواده‌های با ریشه‌های تحولی گرفتار شده سخت سهم قوی‌تری در پیش‌بینی پرخاشگری دارد.

- 
1. Incremental fit index (IFI)
  2. Normal fit index (NFI)
  3. Hoyle, Panter
  4. saturated model



شکل ۲: ضرایب استاندارد مدل

در شکل فوق سازه‌های مکنون در بیضی و متغیرهای مشاهده شده در مربع نشان داده شده است. همه ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار است.  $\chi^2 = 187$ ؛  $df=93$ ؛ ریشه دوم واریانس خطای تقریب  $= 0.05$ ؛  $(0.06, 0.04)$ ؛ شاخص برازندگی تطبیقی  $= 0.94$ ؛ شاخص روایی متقاطع  $= (0.09, 0.07)$

در مجموع مدل توانست ۱۶ درصد واریانس پرخاشگری را در دوره نهفتگی تبیین کند. شایان ذکر است آزمون Z سویل در ارتباط با نقش ریشه‌های تحولی خانواده‌های رهانده‌آشفته بر پرخاشگری غیر معنادار شد، اما در ارتباط با نقش خانواده‌های با ریشه‌های تحولی گرفتار شده سخت بر پرخاشگری معنادار شد ( $P < 0.01$ ) که حاکی از نقش واسطه‌گری اضطراب در رابطه مذکور است.

## بحث و نتیجه‌گیری

مدل برازش‌یافته، مدل مفهومی را تأیید کرد و نشان داد مسیر ریشه‌های تحولی خانواده گرفتار شده سخت (حوزه‌های طرحواره خودگردانی و گوش به زنگ بودن) تنها به طور غیرمستقیم از طریق دلبستگی دوسوگرا به همسال (همخوان با پژوهش شهابی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱) سهم مثبتی در جهت پیش‌بینی اضطراب و در نتیجه پرخاشگری دارد، افزون بر این ریشه‌های تحولی خانواده گرفتار شده سخت به طور مستقیم از طریق اضطراب نیز پیش‌بین‌کننده پرخاشگری است. بنابراین، مدل نشان داد خانواده‌های با ریشه‌های تحولی گرفتار شده سخت سهم قوی‌تری در پیش‌بینی پرخاشگری دارد. به نظر می‌رسد خانواده‌های گرفتار شده که دارای قواعد و اصول سخت در مواجهه با مسائل هستند و دریافت حمایت، مشروط بر پیروی از اصول تغییرناپذیر است، اضطراب بیشتری را متحمل می‌شوند و در نتیجه در ارتباط با دیگری نیز دچار ترس طرد شدن و دوست نداشته شدن از طرف او هستند و محبت او را شرطی ادراک می‌کنند. در واقع در خانواده‌هایی با ساختار سخت، انتظارات و نگرش‌های سختی نیز درباره دیگران شکل می‌گیرد (هازلی، ۲۰۰۶) و در نتیجه احساس شک نسبت به حمایت دیگری باعث می‌شود دلبستگی آن‌ها به افراد با دوسوگرایی همراه شود (مکدونالد و همکاران، ۲۰۰۵) و بر خلاف نظر هازلی (۲۰۰۶) مبنی بر اینکه احساس شک درباره حمایت دیگری با اجتناب از او تداعی می‌شود، با توجه به نتایج حاضر افراد با خانواده‌های سخت، کمتر احتمال دارد به دلیل اضطراب از دست دادن حمایت اطرافیان، دلبستگی اجتنابی در آن‌ها شکل گرفته و از ارتباط با دیگران اجتناب کنند. دلبستگی ناایمن به اضطراب در آینده منجر می‌شود (آلتیر، ۲۰۰۶) و افراد دوسوگرا هیجانات منفی بیشتری در ارتباط با دیگران تجربه می‌کنند و به دلیل شک، به داشتن پناهگاه مطمئن همیشگی، بیشتر احتمال دارد در شرایط بحرانی دچار شک و تردید و اضطراب شوند و به دلیل ترس از دست دادن والد، دچار پرخاشگری می‌شوند. در مواجهه با بحران و ناراحتی، اشخاص دوسوگرا ممکن است اهداف تعاملی خود را به عنوان دفاعی در مقابل ناراحتی‌های ناشی از تجارب منفی دلبستگی در جهت بیش‌فعالی سیستم دلبستگی تغییر دهند. این افراد ممکن است فاصله گرفتن از دیگران را از طریق رفتارهای چسبندگی و گوش به زنگ بودن به عنوان وسیله‌ای برای جستجوی ایمنی به

حداقل برسانند ( میکولینسر و فلوریان، ۱۹۹۹)، لذا این افراد به‌طور مکرر به نگرانی‌های مربوط به تهدید (حتی اگر تهدید بیرونی نباشد) فکر کرده و اضطراب بالایی را تجربه می‌کنند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳).

همچنین مدل برازش‌یافته نشان داد مسیر ریشه‌های تحولی خانواده رها شده آشفته (طرحواره‌های محرومیت عاطفی و محدودیت مختل) نیز تنها به‌طور غیر مستقیم از طریق افزایش دلبستگی اجتنابی سهم مثبتی در جهت پیش‌بینی اضطراب دارد و به‌طور غیر مستقیم از طریق افزایش اضطراب، در جهت پیش‌بینی پرخاشگری سهم مثبتی نشان داد. همخوان با بیان فوق مطالعه‌ی هازلی (۲۰۰۶) نیز نشان داد خانواده‌های سرد و رها شده، سطح بالایی از اجتناب و افراد با خانواده‌های قدرت‌طلب یا سخت، سطوح بالایی از اضطراب را نشان دادند. البته، شایان ذکر است در پژوهش‌های مذکور دلبستگی به همسال در دوره‌ی نهنفگی بررسی نشده بود، به هر حال می‌توان استنباط کرد خانواده‌هایی با سطح پایین صمیمیت که در برابر مسائل و مشکلات نیز آشفته و فاقد اصول مشخص هستند (الگوی رها شده آشفته)، ممکن است، راهبرد اجتنابی را در پیش گرفته و اجتناب از ارتباط را بیشتر از خانواده‌های مقابل نشان دهند. افراد در خانواده‌های آشفته (طرحواره‌های محرومیت عاطفی و محدودیت مختل) ممکن است با اکتشاف سطحی و مواجه شدن با شق‌های مختلف همراه با تجربه‌ی اضطراب بالا و احساس سرگردانی و ناامیدی مواجه شوند و به دلیل فقدان دریافت حمایت والد، در مسیر دلبستگی اجتناب از ارتباط با دیگران برآیند. به هر حال اگر هم ارتباطی برقرار کنند، چنین ارتباطی نمی‌تواند ایمن و با آرامش همراه باشد و ممکن است نوسان داشته و ناپایدار باشد. احتمالاً به دلیل عدم دریافت حمایت خانواده، احتمالاً برقراری ارتباط با دیگران همراه با ترس از دست دادن، ارتباط ناپایدار و اضطرابی است. به هر حال نکته‌ی مهم این است که نایمینی نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی اضطراب باشد، بلکه اضطراب و شرایط بحرانی زمانی افزایش می‌یابد که فرد هم طرحواره‌ی ناسازگاری داشته باشد و هم در حال حاضر در یک ارتباط نایمینی با همسالان بسر برد. لذا طبق بیان بارانف و تیان (۲۰۰۷)، تعاملات ناکارآمد والدین، پیش‌بین بسیار خوبی برای تعاملات کم‌تر کودکان در روابط بین فردی آینده است. به‌طور کلی فرد دلبسته‌ی ایمن در روابط با همسالان در آینده مثبت‌تر عمل می‌کند و کفایت اجتماعی بیشتری را از خود نشان می‌دهد (خراشادی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین، به نظر می‌رسد که توان اکتشاف محیطی

ناشی از ایمنی، تسهیل‌کننده روابط اجتماعی است و باعث کاهش اضطراب اجتماعی می‌شود. در پژوهش حاضر اگرچه در جهت عینیت، دقت و صحت نتایج یافته‌ها تلاش فراوانی به عمل آمد، اما همانند سایر پژوهش‌های انجام شده در روان‌شناسی خالی از موانع و محدودیت نیست که می‌توان گفت این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده است، علاوه بر این می‌توان به محدود بودن جامعه آماری به دانش‌آموزان به پایه چهارم و پنجم ابتدایی شهر بیرجند اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی علاوه بر سبک دلبستگی به همسال در مقاطع تحصیلی بالاتر، سایر سبک‌های دلبستگی با متغیرهای پژوهش بررسی شود. با توجه به یافته‌های حاضر و اهمیت نقش ریشه‌های تحولی والدین در شکل‌گیری دلبستگی و روابط بین فردی و در نتیجه کاهش اضطراب و پرخاشگری، برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی ارتقاء فرزندپروری والدین در مراکز و کلینیک‌ها پیشنهاد می‌شود. افزون بر این با توجه به نقش دلبستگی به همسالان در افزایش اضطراب و پرخاشگری، پیشنهاد می‌شود دوره‌های غنی‌سازی مهارت‌های روابط بین فردی در این دوره سنی جهت کاهش اضطراب و پرخاشگری برگزار شود.

### تشکر و قدردانی

از همکاری صمیمانه اداره آموزش و پرورش و مدیران محترم مدارس ابتدایی شهر بیرجند و معاونت محترم پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند قدردانی می‌شود که ما را در اجرای این پژوهش یاری کردند. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

*پرتال جامع علوم انسانی*

## منابع

- تفتی، طوبی، شفیع‌آبادی، عبدالله و سودانی، منصور (۱۳۸۸). اثربخشی آموزشی گروهی مبتنی بر تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه دانش‌آموزان دبیرستان شهر رشت. *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۵ (۱): ۳۹-۲۳.
- خراشادی‌زاده، سمیه. شهابی‌زاده، فاطمه و دستجردی، رضا (۱۳۹۰). بررسی نقش دلبستگی دوران کودکی، دلبستگی به خدا و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی، *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، ۴ (۴): ۴۳-۵۹.
- سالاری‌فر، محمدحسین و پوراعتماد، حمیدرضا (۱۳۹۰). رابطه باورهای فراشناختی با اختلال افسردگی و اضطراب، *فصلنامه یافته*، ۱۳ (۴): ۳۸-۲۹.
- شهابی‌زاده، فاطمه و مظاهری، محمدعلی (۱۳۹۱). دلبستگی ادراک شده دوران کودکی کنش-وری خانواده و مقابله مذهبی. *روان‌شناسی تحولی*، ۳۱: ۲۲۱-۲۳۴.
- شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴). مدل علی راهبردهای مقابله مذهبی، نقش کارکرد خانواده و دلبستگی به خدا، *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۱ (۲): ۱۳۵-۱۶۵.
- عراقی، یحیی (۱۳۹۳). بررسی کیفیت رابطه والد-فرزندی در دو گروه از دانش‌آموزان پسر پرخاشگر و غیر پرخاشگر. *مطالعات روان‌شناختی*، ۴ (۴): ۱۱۳-۱۲۹.
- نجات، آسیه، شهابی‌زاده، فاطمه و غباری بناب، باقر (۱۳۹۳). بررسی نقش تصور از خود در رابطه میان دلبستگی ادراک شده با سلامت روانی در دانشجویان، *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۰ (۴): ۷۳-۹۹.
- هربرت، مارتین (۱۳۸۴). *روان‌شناسی بالینی کودک*. ترجمه مهرداد نوبخت. تهران: غزال.
- یانگ، جفری، کلوسکو، ژانت و وشیار، مارجوری (۱۳۹۰). *طرحواره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی)*. حسن حمیدپور و زهرا اندوز، تهران، ارجمند.

- Altiere. M.J., (2006). *Family Functioning and Coping Behaviors in Parents of Children with Autism*, A Dissertation to the Department of Psychology, Eastern Michigan University, for the degree of Master. August 18.
- Araghy, Y. (2008). Comparison of the quality of parent- Child Relationship of two Groups of Aggressive and Non Aggressive boy Students: *Quarterly journal psychological studies*;4(۴): 113\_129(Text in Persian).



- Baranoff, T. (2007). Young Schema Questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Australian Journal of Psychology*, 59 (2): 78 – 86.
- Finzi-Dottan, R., Cohen, O., Iwaniec, D., Sapir, Y. & Weizman, A. (2003). The Drug-User Husband and His Wife: Attachment Styles, Family Cohesion, and Adaptability. *Substance Use & Misuse*, 38(2): 271\_292.
- Haseley, J.L. (2006). *Marital Satisfaction Among Newly Married Couples: Associations With Religiosity And Romantic Attachment Style*. Dissertation Prepared for the Degree of Doctor of Philosophy, University of North Texas.
- Herbert, M. (1998). *Clinical child psychology : social learning, development, and behaviour*, 2nd ed. Translated by Mehrdad Nobakht1384. Tehran, Ghazal(text in Persian).
- Khorashadizadeh, S., Shahabizadeh, F.& Dastjerdi, R. (2012). The role of childhood attachment, attachment to God and causal attribution on Social anxiety. *Ravanshenasi-va\_Din*, 4(4): 43-59(Text in Persian).
- Mikulincer, M. & Florian, V. (1999). The Association Between Spouses Self-Reports of Attachment Style And Representations of Family Dynamics. *Family Process*, 38 (1): 69\_83.
- Mikulincer, M., Shaver, P. & Pereg, D. (2003). Attachment Theory and Affect Regulation: The Dynamics, Development, and Cognitive Consequences of Attachment-Related Strategies, *Motivation and Emotion*, 27(2):20\_29.
- McDonald, A., Beck, R. & Norsworthy, L. (2005). Attachment to God and Parents: Testing the Correspondence vs. Compensation Hypotheses. *Journal of Psychology and Christianity*, 24 (1): 21\_28.
- Salarifar M H & Pouretamad H R. (2013). The Relationship Between Metacognitive beliefs and anxiety and depression disorder. *yaft*; 13 (4) :29-38(Text in Persian).
- Shahabi zadeh, F. Mazaheri, M.A. (2012). Perceived Childhood Attachment, Family Functioning And Religious Coping. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*; 8(31): 221\_234(Text in Persian).
- Shahabi zadeh, F. (2015). Causal Model of Religious Coping strategy in crisis, The Role of Family functioning and Attachment to God: *Quarterly journal psychological studies*; 11(2): 135\_165(Text in Persian).
- Nejat, A. Shahabi zadeh, F. & Ghobary Benab, B. (2014). the role of Self-image in the relationship between perceived attachment with mental health in students: *Quarterly journal psychological studies*; 10(40):73-99 .(Text in Persian).
- Seghati, T., Shafi Abadi, A. & Sodani, M. (2009). The Effectiveness of Group Training Based on Transactional Analysis on Aggressive girl students of high Schools in Rasht. *Innovation in Management Education (Journal Thoughts in Education)*, 5(1):23\_39(Text in Persian).
- Young, J. Kolesko, J. & Weishaar, M. (2004). *Schema Therapy: a practitioner's guide*. Amazon.co.uk. Translated by Hasan Hamid Poor and Zahra Andooz1390, Tehran: Arjomand(text in Persian).

---

**The Importance of Peer Attachment and  
Anxiety for Latency Stage in Aggressiveness  
Model with Its Developmental Origins in  
Family Efficiency**

---

Narges Eslami\* & Fatemeh Shahabizadeh\*\*

**Abstract**

The aim of present study was to investigate the Importance of Peer Attachment and Anxiety for Latency Stage in Aggressiveness Model with Its Developmental Origins in Family Efficiency. This correlation study was done on 330 male and female students in grades four and five in Birjand city during 2014, Sampling was done through multi-stage sampling method and data collection tools included Young Parenting Inventory, Latency Attachment Style, Cattel Anxiety, and AGQ Aggressiveness. Data were analyzed using structural equation modeling. The results of fitted model showed that developmental origins path of Impaired autonomy and performance (rigid enmeshed family) had a direct and indirect positive role in prediction of anxiety through ambivalence attachment to peers. Moreover, it could predict aggressiveness through anxiety. In addition, the model showed that developmental origins path of emotion derivation and Impaired limits (chaotic disengaged family) had an indirect positive role in prediction of anxiety through increasing avoidance attachment and an indirect positive role in prediction of aggressiveness through increasing anxiety. Therefore, the model showed that families with rigid enmeshed developmental origins had stronger role in prediction of aggressiveness. As a result,

---

\* MA in Educational Psychology and a thesis from Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran

\*\* Assistant Professor of Birjand, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

DOI: 10.22051/psy.2017.11930.1243

Reseived:2016/9/27 Accepted:2017/2/19

Abstracts .....

given the prediction of aggressiveness through developmental origins, attachment for Latency Stage, and anxiety, it is possible to prevent the increase of aggressiveness and its unfavorable outcomes by controlling underlying factors in earlier ages.

*Keywords: Developmental origins of schemas; attachment for Latency Stage*

